

متن پرسش

با سلام و عرض ادب: یکی از دوستان بنده که مهندس برق و از نخبگان کشور بود، چند سالی است که به آمریکا مهاجرت کرده و اونجا مشغول به کار شده است و درآمد خیلی خوبی داره، در دوران دبیرستان چند سالی با هم مسجد می رفتیم و از بچه های مذهبی بود ولی بعد از دانشگاه مدتی ازش خبری نداشتم و از زمانی هم که آمریکا رفته بود خیلی باهاش ارتباطی نداشتم. اکنون مدتی است که دوباره با هم تماسهایی داریم و کاملاً تفکراتش تغییر کرده است. دو ایراد اساسی به نظام جمهوری اسلامی وارد می کند: یکی اینکه این نظام ناکارآمد بوده است و چون بسیاری از کارهایش را به دین ربط می دهد باعث دوری مردم از دین هم شده است. و ایراد بعدیش این است که جوامعی که در آن دین از سیاست جدا است مثل جامعه آمریکا، هم از نظر سیاسی (مثل آزادی های سیاسی که می توانی به راحتی به رئیس جمهور حتی فحش هم بدهی) و هم از نظر اقتصادی (برترین اقتصاد دنیا) پیشرفت زیادی کرده اند و این سیستمی که ما در ایران داریم فقط باعث سوء استفاده از دین شده است برای نفع بردن عده ای از اسم دین. اکنون از حضرتعالی درخواستم اینه که من با این فرد که البته هنوز اعتقادات دینی شخصی را داره، چطور بحث و صحبت بکنم که بتونم بهش کمک کنم و از طرفی باعث جدایی بیشترش نشوم. بسیار ممنونم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در انقلاب اسلامی بحث در جهانی است که نه گرفتار ضعف های جهان مدرن باشیم و نه گرفتار عقب افتادگی های ناشی از تحجر و تنگ نظری. انقلاب اسلامی، شروعی است در این راستا. و اگر چیز مهمی نیست که موجودیت فرهنگی آمریکا را زیر سؤال می برد، چرا جهان مدرن و به خصوص فرهنگ استکباری آمریکا، در راستای مانع شدن تحقق نظام اسلامی تا این اندازه تلاش می کند و سنگ اندازی می نماید. آیا این نشان نمی دهد در دل نظام اسلامی، افقی در پیش است؟ آن رفیق باید به این موارد فکر کند، آیا می توان در جهانی که آمریکا با این هویت شکل داده، انسانی باشیم که به راحتی با خودمان زندگی کنیم و احساس پوچی و نیهیلیسم ننماییم؟ موفق باشید